

# مقاله و تربیت / پرسش و پاسخ

زیر نظر دکتر محمدرضا شرفی

**سؤال ۱:** با سلام و آرزوی موفقیت همه دست اندرکاران مجله تربیت، اینجانب مریی امور تربیتی یکی از مدارس راهنمایی مشهد هستم. در خلال فعالیتهایم، سعی دارم از هنر و زمینه‌های متنوع آن نظیر نمایشنامه‌های کلاسی، نیز استفاده کنم. خیلی علاقمندم از کیفیت تأثیرات تربیتی هنر در شخصیت دانش‌آموزان مطلع شوم تا براین مبنا بتوانم به کار خود اصالت بیشتری بدهم. آیا می‌توانید در این مورد مرا راهنمایی کنید؟ قبلاً از پاسخی که به پرسش من خواهید داد، سپاسگزارم.

سید ابراهیم حسینی

**پاسخ:** ضمن عرض سلام شما و همه خوانندگان عزیز مجله، خوشوقتیم که همکاران فعالی چون شما، در اندیشه غنی ساختن اوقات کودکان و نوجوانان می‌باشند. در زمینه دروسی نظیر تاریخ و ادبیات نیز معلمان و دبیران ارجمند می‌توانند از دانش‌آموزان بخواهند که موضوع درس را به صورت نمایشنامه، ارائه دهند. در ساعات پرورشی و فوق‌برنامه و مناسبتها، همچون سایر

فعالیتها می‌توان بامشارکت دانش‌آموزان، نمایشنامه‌های جذاب و آموزنده‌ای ترتیب داد تا ضمن استفاده بهینه از استعداد آنان، کلاسی مطبوع و فعال را به وجود آورد. آثار مفید و سازنده نمایشنامه‌ها در مدارس به طور عمده عبارتند از:

**الف - انبساط خاطر دانش‌آموزان -**

چنانچه مفاهیم بلند و ارزشمندی را که مایلیم به دانش‌آموزان منتقل کنیم، در قالبهای جذاب هنری، طرح و تبیین نماییم، رغبت و ذوق آنان را تحریک کرده و موجب مسرت و نشاط خاصی می‌شود. در نتیجه توانایی و کارآمدی آنان در درس و سایر زمینه‌ها افزایش می‌یابد.

**ب - غنی ساختن تجربیات اجتماعی -**

نیاز دانش‌آموزان به مهارتهای اجتماعی فراتر از آن است که صرفاً کلاسهای درس و آموزشهای رسمی آن را تدارک ببینند، اینگونه آمادگیها، غالباً از طریق فعالیتهای فوق برنامه هنری و فرهنگی مهیا می‌شود و به مجموعه تجربیات قبلی دانش‌آموزان، منضم می‌گردد.

**ج - تدوین خط مشی زندگی - هنر به**

لحاظ جذابیت و اصالت، از توانایی ویژه‌های

در ارائه راه و رسم زندگی برخوردار است. به این لحاظ نمایشنامه‌هایی که از لحاظ تکنیکی، قوی و متنوع باشند و بتوانند در تقویت نیروی فکری و تجزیه و تحلیل مسائل زندگی، نقشی ایفا کنند، از جایگاه شایسته‌ای برخوردارند.

د. هدایت تواناییها و قابلیت‌ها- نیروهای درونی دانش‌آموزان که از قلبی حساس و فطرتی خداگرای برمی‌خیزد، باید در مسیری مناسب و مطلوب، هدایت شود. ورزش، هنر، عبادت و اوقات فراغت، درجه‌های مطمئنی برای هدایت نیروهای درونی دانش‌آموزان است و در صورتی که این انرژیها در چنین مسیری، آزاد نشود، می‌تواند بارها ساختن در مسیرهای ناسالم، مسأله آفرین باشد.

ه. - مسؤلیت آفرینی - در فعالیتهای هنری نظیر نمایشنامه‌ها و گروههای سرود و تواشیح که نقشها به تناسب و اگذار می‌شود، علاوه بر اجرای مطلوب فعالیتهای گروهی، در یکایک دانش‌آموزان، احساس مسؤلیت را رشد می‌دهد و زمینه‌ای برای قبول مسؤلیتهای گسترده اجتماعی محسوب می‌شود.

و- تقویت انضباط شخصی - در هر فعالیت گروهی، هر فرد با توجه به زمینه‌ها و قابلیت‌هایش، نقش می‌پذیرد. این نقش‌ها به وسعت تفاوت‌های فردی، گسترش می‌یابد و چنانکه هر فرد در موقعیت مناسب خویش قرار گیرد، قادر به برقراری حسن ارتباط میان خود و گروه خواهد بود و این، زمانی مقدور است که قدرت خویشتن داری و انبساط شخصی دانش‌آموز، به سطح قابل قبولی افزایش یابد.

ز- مهارت در تربیت علمی - مشارکت دانش‌آموزان در اناره امور فرهنگی و هنری مدرسه، یک فرایند از حوزه تربیت عملی است. که ناظر بر کیفیت عمل، ارتباط با گروه و حسن اجرای وظایف و نقش‌هاست و اینها پیش در آمدی بر جریان زندگی روزمره محسوب می‌شود. و بعضاً منجر به درک حقایقی می‌شود که از شیوه‌های تربیت نظری، مقدور نیست. به عنوان مثال

می‌توان از رهبری و فرماندهی در گروه، نام برد.

سؤال ۲: دبیر با سابقه یکی از دبیرستانهای شیراز هستیم. دانش‌آموزانم به لحاظ حسن اعتمادی که به اینجانب دارند، در موارد غیر درسی نیز از من راهنمایی و ارائه نظر، طلب می‌کنند. منم به سهم خویش هر گونه یاری و راهنمایی که بتوانم ارائه می‌دهم اما چون به مباحث تعلیم و تربیت نیز علاقمندم به موازات رشته تخصصی‌ام که ریاضی است، مطالعاتی در این مورد داشته و دارم. لطفاً بگویید آیا در میان استادان بزرگ مسلمان توجه به امر تفاوت‌های فردی شده است یا خیر؟ و آیا در مورد لزوم راهنمایی مطالبی آمده است؟ قبلاً از همکاری شما سپاسگزاری می‌کنم.

احمد همتی  
پاسخ: ضمن عرض سلام و با ابراز مسرت از توفیق جنابعالی در برقراری ارتباط حسنه با دانش‌آموزان، در پاسخ به سؤال شما ابتدا باید گفت که این موضوع قیل از آنکه در آرای مربیان مسلمان، طرح شده در قرآن کریم و روایات اهل‌بیت (ع) مورد تصریح واقع شده است ما صرفاً به یک مورد از قرآن کریم و یک نمونه از روایات، اشاره می‌کنیم.

در سوره نوح آیه ۱۲ خداوند می‌فرماید: «و قد خلقکم اطواراً» یعنی خداوند شما را به اطوار و احوال گوناگون آفرید. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان جلد ۲۹ صفحه ۱۷۷ نیل تفسیر آیه مذکور می‌فرماید: معنای جمله این است که فرد فرد شما را از مرحله اولیه خلقت تا سالخوردگی و پیری، از مراحل گوناگونی عبور داده و جمع شما را هم مختلف آفرید هم از نظر شخصیت، و هم از نظر رنگ و قیافه و نیرومندی و ضعف و غیر نالک، و آیا این چیزی به جز تکبیر است؟ پس مدبر امور شما خود اوست، پس او رب شما است.

در روایات متعددی نیز به موضوع تفاوت‌های فردی اشاره شده است، از جمله در کلامی از حضرت امیر علیه السلام آمده

که فرمود: «الناس معادنٌ کمعادن الذهب والفضة»

یعنی مردم همچون کانهایی هستند که برخی از طلا و بعضی دیگر از نقره می‌باشند.

در آرای علمای مسلمان نیز افرادی همچون ابن مقفع زرنوخی، ابن جماعه، غزالی و ابن‌سینا و دیگران اشاراتی در همین باب آمده است.

«غزالی» در «منهاج المتعلم» می‌گوید: «با شاگردان مهربانی کنید چون فرزندان و در پیروی از آیین پیامبر در گسترش دانش، چشم به مزد و پاداش نداشته باشید و تا آنجا که می‌توانید شاگردان خود را راهنمایی کنید و آنان را از گرفتارن درجه و دانشنامه بدون شایستگی برحذر دارید.» صفحه ۲۱۰

«زربسوخی» در «تعلیم‌المتعلم» به دانشجویان توصیه می‌کند که در گزینش رشته تحصیلی و موضوع درس، به خود تکیه نکنند بلکه آن را به طور کامل در اختیار استادی بگذارند تجربه او در راهنمایی آنان بس کاری خواهد بود.» صفحه ۲۳۹

ابن سینا در «قانون» جلد اول، صفحه ۲۷ می‌نویسد:

پس اینن وظیفه معلم است که استعدادهای دانش‌آموز را بررسی کند و او را به مناسبترین رشته تحصیلی بکشانند، ولی اگر شاگردی در پیگیری یک رشته، کامیابی نیافت بر استاد اوست که او را به رشته دیگری راهنمایی کند که به موفقیت برسد.

غزالی نیز این ملاک را در اشتغال شاگرد به درس و تحصیل عرضه می‌کند.

«اگر توانایی تن بر قدرت روان بچربد، شاگرد به آموزش فراوان و مدت دراز، نیاز دارد و اگر پرتو خرد بر ویژگیهای حس چیره آید، با کمی اندیشیدن از فراوان آموختن بی‌نیاز می‌شود.

و «زرنوخی» در انامه ارائه طریق می‌افزاید:

«شاگرد باید زمانی را برای راهنمایی

جستن از استاد برگزیند که مناسب باشد نه بیگانه و نامناسب.

**سؤال ۳:** مادری هجده ساله با ۱۶ سال سابقه زندگی مشترک با همسر و سه فرزند در سنین متفاوت که فاصله سنی آنها نیز مناسب و منطقی است و از نظر روحی و فکری نیز با همسر مشترکات زیادی داریم. با این حال گاهی با مسایلی روبرو می‌شوم که از تحلیل آنها عاجز و مواردی از قبیل اضطراب، نگرانی و یا عدم همکاری فرزندان را نمی‌توانم به درستی تأویل کنم. و چشم‌انداز آینده زندگی خود و فرزندانم را نمی‌توانم به درستی ترسیم نمایم که آیا فرزندانم در آینده چه وضعی خواهند داشت. لطفاً به یک مادر نگران، کمک کنید و بگویید چه می‌توانم بکنم؟

**عاطفه - ع از تهران**

**پاسخ:** با سلام و وجود همسری هماهنگ و فرزندان سالم از سرمایه‌های ارزشمندی است که برای دستیابی به زندگی متعادل، ضروری است. با این حال توجه شما را به نکاتی چند جلب می‌کنیم:

**الف -** وجود فاصله منطقی سنی میان فرزندان و همسری همفکر در زندگی، شرط لازم برای آرامش روحی خانواده محسوب می‌شود ولی شرط کافی نیست. اگرچه بیشتر روان‌شناسان و متخصصین بهداشت روانی معتقدند که:

«کودک مطمئن، زاینده یک خانواده مطمئن است» ولی در مواردی واقعیت امر چیزی غیر از این است، یعنی کودک از خانواده‌های مطمئن، برخوردار است و در عین حال خود اطمینان روحی لازم را ندارد. زیرا عوامل دیگری نظیر برنامه‌های تلویزیونی، کیفیت ارتباط کودک با مدرسه و تعامل کودک با محیط انسانی می‌تواند چنین معادله‌ای را تغییر دهد برآیند تأثیرات منکور، چگونگی جهت‌گیری کودک را معین می‌کند.

**ب -** ثبات عاطفی والدین برای رویرو شدن با ناکامی‌ها، از عوامل ضروری در تکوین امنیت و آرامش کودک است. اگر در

یک مرحله از زندگی، آرامش و تعادل خویش را حفظ نماییم و در مقطع دیگری با کوچکترین عامل محرکی، این تعادل فرو ریزد، نمی‌توانیم برای فرزندانمان، منبع آرامش و اطمینان روحی تلقی شویم.

**ج -** علیرغم تلاش والدین برای تعادل بخشی به فرزندان، گهگاه شاهد گله و شکوه‌ای از جانب یک یا همه فرزندانمان می‌باشیم. والدینی که از اعتدال لازم در تفویض مسئولیتها و ارائه امتیازات میان فرزندان برخوردارند، باینگونه اظهار نظرها از جانب آنان، تعادل خویش را نمی‌بازند و سررشته زندگی‌شان را با تسلط و اعتماد، به دست می‌گیرند.

**د -** نگرانی بیش از حد مادر یا پدر در مواجهه با برخی عوارض روحی و تظاهرات رفتاری فرزندان، به نگرانی آنان می‌افزاید. والدین کمال‌گرا با در نظر گرفتن استانداردهای مرتفع برای فرزندان، زمینه رشد احساس بی‌کفایتی را در آنان به وجود می‌آورند و خود نیز از این رهگذر، آسیبهای روحی و عصبی می‌بینند. باید اطمینان داشته باشیم که همیشه انتظارات به جا و منطقی از فرزندان، آنان را در وضعیت متعادلی قرار می‌دهد و پیشی گرفتن انتظارات والدین از امکانات فرزندان، علاوه بر اینکه تعادل آنان را متزلزل می‌کند، در تکوین احساس حقارت نیز مؤثر است.

**سؤال ۴:** دختری ۱۶ ساله و دانش‌آموز کلاس دوم نظری هستیم. با وجود سلامت جسمی و موقعیت ظاهری نسبتاً خوب، در هنگام برخورد با دیگران، قهری دستاچه می‌شوم و یا هنگام پاسخ به سئوالات دبیر دچار مشکل می‌شوم ای کاش می‌دانستم، این اعتماد به نفسی که همه روان‌شناسان از آن سخن می‌گویند، چگونه در فردی مثل من به وجود می‌آید و راه عملی آن کدام است؟

**عطیه - ش از ساوه**

**پاسخ:** با اهدای سلام و آرزوی بهروزی برای شما و همه آینده سازان مین اسلامی، قبلاً در یکی از شماره‌های این مجله، به پرسش شما پاسخ مکتبی داده‌ایم، با این حال

برای مشکل شما، توجه به نکات زیر می‌تواند راهگشا باشد:

**الف -** «اعتماد به نفس امری قابل اکتساب است.» لذا اگر خصوصیتی قابل کسب باشد، می‌توان به آن دست یافت و این واقعیت می‌تواند، نورنمای امیدبخشی فرا راه زندگی‌تان قرار دهد.

**ب -** «اعتماد به نفس، امری قابل انتشار است.» به این مفهوم که اگر در یکی از جنبه‌های زندگی، اعتماد به نفس را کسب کنیم، در سایر جنبه‌ها نیز توانایی‌هایمان، افزایش می‌یابد. به عنوان مثال، زمانی که در هنر به قابلیت دست می‌یابیم و رضایت دریافت می‌کنیم، در سایر زمینه‌ها همچون تحصیل، اشتغال و ارتباطهای اجتماعی نیز احساس موفقیت بیشتری خواهیم نمود.

**ج -** «اعتماد به نفس، امری زمان‌پذیر است.» به این معنی که در هر تو مرور زمان و به تدریج اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهیم و یا به مرور آن را تحصیل می‌کنیم. این واقعیت ما را بر آن وامی‌دارد که به مجرد کوچکترین تلاش در راه کسب اعتماد به نفس، و در کوتاهترین فاصله، چنانچه تغییرات محسوسی در خود مشاهده نکردیم، از خود ناامید نشده و راه را برای تلاشهای بعدی مسدود نمانیم. و با ادامه تلاش در فرصت زمانی بیشتر، به درجات قابل قبولی از حس کفایت نایل شویم.

**د -** اعتماد به نفس، قدرت ترمیم عواطف جریحه‌دار شده را داراست، به این توضیح که اگر برخی از کودکان و نوجوانان در گذشته زندگی‌شان از نظر عاطفی، محرومیتی دریافت نداشت‌اند، با کسب اعتماد به نفس، می‌توانند به ترمیم زخمها و جراحتهای عاطفی خود اقدام نمایند. و به جبران لطافت گذشته بپردازند. آنچه که در تبدلات عاطفی بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد، توانایی آموشی برای نور شدن از گذشته‌های دردناک و پیوستن به فردا و آینده‌های است که هنوز در دستهای او قرار داد و سیمایی پر امید در مقابل جوانان به تصویر می‌کشد.